



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۳

اسحق نگارگر

## قومگرایی و سقوط آن در مُردابِ دفاع از دکتاتوران و جهانگشایان مستبد تاریخ!

انسان محصول محیط تربیت؛ چگونگی جین ها؛ اقتضای رویدادهای اجتماعی و سیاسی و غیره است بنابراین کرکتر و اخلاق انسان به فرد خودش تعلق دارد و قانون فرد را به خاطر عمل جرمی اش مجازات میکند و این مجازات هرگز گریبان قوم و تبار و حتی پدر؛ برادر و خانواده اش را نمیگیرد بنابراین هر قوم مُرکب است از افراد بسیار خوب؛ خوب؛ بسیار بد و بد و بالطبع قضاوت نسبت به یک شخص بد هیچ ارتباطی به این موضوع ندارد که آن فرد به کدام قوم ارتباط میگیرد. افتخار و دستاورد قابل تحسین فرد ممکن است مایه افتخار قوم و ملتش نیز شود اما گناه فرد به هیچ وجه دامن قوم و تبارش را نمیگیرد. کشور ما که از جهات مختلف گرفتار بُحران های اقتصادی؛ سیاسی و فرهنگی گردیده است و یکی از بدترین مظاهر انحطاط خزیدن به غوزه پیلۀ قوم گرایی است و اکنون دفاع از عناصر نامطلوب بدانجا کشیده است که مردم می پندارند دکتاتوری و استبداد امری بد و نا مطلوب است اما با دکتاتور و مستبد قوم من کاری نداشته باشید زیرا که من قضاوت منفی نسبت به دکتاتور را نوعی اهانت به قوم خود میدانم و دیگر کار بدانجا کشیده است که میخواهیم به نام دفاع از قومیت به دفاع از چنگیز و هلاکو نیز برخیزیم. میخواهیم بدون تَرُد و تذبذب بگویم که از فرعون های مصر گرفته تا اسکندر مقدونی و دیگر جهانگشایان در رأس دولت های خودکامه و مستبد قرار داشتند که برخلاف اراده مردم به هر سو می تاختند؛ می گشتند و تاراج میکردند. تاریخ جلو آمد و کم از کم در برخی از کشور ها مردم به انتخابات و قانونیت و دموکراسی رسیدند و خاطرات استبداد و دکتاتوری را در گورستان تاریخ به خاک سپردند. من صمیمانه از قومگرایان عزیز می پُرسم که آیا ممکن است انسان این عصر به نام قومیت از نظام برده داری دفاع کند و یا آلمانی میتواند به نام قومیت از تاخت و تاز هتلا ریشتیانی کند؟ این روزها به نام قومیت درفش دفاع از تیمور لنگ برافراشته شده است. راستی این مرد که بود و آیا او غیر از ریاکاری؛ مسلمان نمایی و قتل عام های پیهم افتخاری هم داشته است که یکی بتواند درفش دفاع از ویرانگری های او را بدوش کشد؟ من بهترین کتاب که درباره این مرد خوانده ام عجائب المقدور فی اخبار تیمور است که آنرا قاضی القضاة دانشمند دمشق شهاب الدین احمد بن محمد بن عبدالله دمشقی معروف به ابن عربشاه نوشته است. نه تنها این کتاب میگوید بلکه اعمال او نیز شاهی میدهد که او «فردی بسیار خشن بود.» «در اداره کشور فرماندهانی را انتخاب میکرد که خوی و حشیگری داشته باشند.» او مرتکب قتل عام های خوارزم؛ هرات؛ نیشاپور و هند است. آیا برادران ما در ازبکستان که این خون آشام بزرگ تاریخ را یکی از مفاخر خود میدانند حاضر استند او را عینک مردم خوارزم؛ هرات؛ نیشاپور؛ اصفهان و هند ببینند. باز همین ابن عربشاه قاضی القضاة دمشق میگوید: «بهترین سرگرمی او تماشای فواره خون بود او از قول تیمور میگوید «هیچ منظره ای همچون فواره خون از رگهای گردن کسی که سرش به دست من بریده شود به من لذت نمیدهد.» آری اگر به نام قومگرایی از مردانی این چنین دفاع شود معنایش این میشود که قومگرایی علی رغم ادعاهای بلندبالای روشنفکرانه در مُرداب دفاع از جلادان تاریخ سقوط کرده است.

فاعتبروا یا اولی الابصار  
نگارگر ۳ فبروری ۲۰۲۰ برمنگهم

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی